



اولین همایش ملی

کارکرد وقف در توسعه انسانی با تأکید بر وقف علمی

۲۱ و ۲۲ آبان ۱۳۹۸

1st National Conference on WAQF Function in Human Development Emphasizing Scientific Waqf

12 & 13 November 2019

مبانی وقف علم و فناوری در فقه امامیه

اولین همایش ملی
محدثه معینی فر

هیأت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

کارکرد وقف در توسعه انسانی

چکیده

وقف یکی از راهکارهای تقویت بنیه اقتصادی و برقراری عدالت در جامعه اسلامی است. وقف به جهت شرایط ویژه‌ای که دارد از ابزارهای مناسب اقتصادی است که می‌تواند علاوه بر آثار اقتصادی، منشأ آثار اجتماعی و فرهنگی نیز باشد. یکی از ابعاد مهم وقف از ابتدای ایجاد و توسعه آن، وقف علمی است که پیشینه بسیار طولانی در تاریخ مسلمانان دارد. با توجه به گسترش علم در جهان و اهمیت آن در رشد و پویایی اقتصادی، به نظر می‌رسد یکی از حوزه‌های مهم وقف هم اکنون، وقف علم و فناوری است. بر همین اساس، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که مبانی موجه-سازی وقف علم و فناوری شامل چه مواردی است؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد وقف علم و فناوری، همان حبس اصل و استمرار بهره است با هدف گسترش و توسعه علوم و این نوع از وقف دارای پیشینه طولانی به قدمت اسلام بوده است. ادله لزوم وقف علم و فناوری شامل دو عامل پایداری و استقلال؛ ملاک برتری وقف و ملاک انتخاب اهداف و نوع وقف هستند. مبانی مشروعیت وقف علم و فناوری در فقه نیز می‌تواند مواردی چون وجوب تحصیل علم بر هر مسلمان، لزوم حفظ جامعه اسلامی از گزند آفات، قاعده نفی سیل کافران، کراهت از فقر، لزوم توجه به کار مسلمانان، لزوم کسب سلطنت و قدرت و اهمیت و فضیلت علم و دانش باشد.

واژگان کلیدی: وقف، علم، فناوری، اقتصاد، واقف.



مقدمه

وقف از عقودی است که در کتب فقهی بابی مستقل را به خود اختصاص داده است. در بررسی وقف در تاریخ مسلمانان، می توان آثار مختلفی را برای آن برشمرد. بخش قابل توجهی از توسعه علوم در جهان اسلام و پیشرفت های مختلف در سایر عرصه ها که ناشی از گسترش علوم بودند، مرهون این نهاد بوده است. نهادی که به جهت پیوستگی و استقلال توانسته است به ابزاری کارآمد بدل شود که در زمان ها و مکان های مختلف، پاسخگوی نیازهای مسلمانان بوده است. دامنه گسترده کاربردهای وقف در طول تاریخ، انعطاف آن را نشان می دهد. این انعطاف هم اکنون نیز می تواند در جامعه اسلامی کاربرد داشته باشد و راه توسعه و پیشرفت آن را باز نماید. یکی از کاربردهای نوین وقف، وقف علم و فناوری است که نه تنها خود دارای ارزش ذاتی است، بلکه به واسطه فراهم کردن شرایط مطلوب برای رشد جامعه در ابعاد مختلف، دارای ارزش تبعی نیز هست.

این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است تا این سؤال را پاسخ گوید که مبانی موجه سازی وقف علم و فناوری شامل چه مواردی است؟

فرضیه این پژوهش نیز آن است که مبانی موجه سازی وقف علم و فناوری شامل ارزش ذاتی علم، قاعده نفی سبیل و غیره است.

این مقاله از بخش هایی چون مفهوم وقف، مفهوم وقف علم و فناوری، تاریخچه وقف علم و فناوری، انواع وقف علم و فناوری، نقش وقف در رشد و پیشرفت اقتصادی، ارکان وقف علم و فناوری، ادله لزوم وقف علم و فناوری و مبانی مشروعیت وقف علم و فناوری در فقه تشکیل شده است.

1- مفهوم وقف با تأکید بر وقف علم

وقف در لغت به معنای ایستادن، فرونشاندن و حبس کردن مال برای کارهای نیک (عمید، ۱۳۳۷، ص ۱۱۹۳)، منحصر کردن چیزی را به کسی یا چیزی، ملک یا مستغلی را در راه خدا حبس کردن (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه وقف) آمده است.

بر اساس حدیث معروفی از پیامبر اسلام (ص)، مفهوم وقف در میان فقها آشکار می گردد: «حبس الاصل و سبیل الثمره» (احسائی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۰). آنچه فقها در این زمینه بیان داشتند تعبیراتی است که از حدیث فوق به دست آمده است. برای نمونه، برخی از فقیهان آن را حبس اصل و استمرار بهره تعریف کرده اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۸۶؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۵۲) و برخی نیز به جای واژه «اصل» از واژه «عین» بهره برده اند (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۲). همچنین، برخی نیز به جای واژه «تسبیل المنفعه» از واژه «اطلاق المنفعه» استفاده کرده اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۳۷). البته برخی نیز جنس تعریف را عقد در نظر گرفته و بر این مبنا آن را عقدی دانسته اند که نتیجه آن، حبس اصل و استمرار بهره است (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۲).



در ماده ۵۵ قانون مدنی ایران، نیز وقف چنین تعریف شده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». منظور از حبس نمودن عین مال، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین، از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد، زیرا مقصود از وقف انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه است و بدین جهت هم آن را وقف گفته‌اند، چه کلمه وقف در فارسی ایستادن و نگه داشتن است. منظور از تسبیل منافع واگذاری منافع در راه خدا و امور خیریه اجتماعی است (ملک زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

2- مفهوم وقف علم و فناوری

یکی از مباحثی که در موضوع وقف مطرح است، وقف علم و فناوری می‌باشد. شاید نتوان تعریفی از این نوع از وقف در متون گذشته یافت، اما مصادیقی از آن حتما در پیشینه ارزشمند اسلامی وجود دارد. اما در یک نگاه کلی، وقف علم و فناوری، همان حبس اصل و استمرار بهره است با هدف گسترش و توسعه علوم. این نوع از وقف، از مواردی است که می‌تواند با واسطه سبب رشد اقتصادی جامعه شود. با توجه به روایت «العلم سلطان» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۲۱) می‌توان ادعا کرد که وقف علم و فناوری، نه تنها با واسطه دارای ارزش و اهمیت است، بلکه به حسب ارزش ذاتی علم در دین اسلام، نیز مهم خواهد بود.

3- تاریخچه وقف به طور کلی و وقف علم و فناوری

اعمال و عقود شبیه به وقف، در تمام اجتماعات بشری وجود داشته و حتی پیش از ظهور اسلام، در جوامع بشری و عرف عقلا متداول بوده است. سنت وقف ویژه کشورهای اسلام و شرقی نیست. در کشورهای غربی و حتی در نقاط دور افتاده جزایر استرالیا و آفریقا و در میان سرخ پوستان آمریکای جنوبی نیز این سنت وجود داشته و این اقوام برای معابد و پرستشگاه‌ها، کلیساها و صومعه‌ها و دیرهایشان موقوفه‌هایی اختصاص داده‌اند. به ویژه در مصر باستان، یونان، چین، هند، ژاپن، روم، بابل و فلسطین قبل از اسلام موقوفاتی داشته‌اند (ملک زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۵). کوشش‌های جدید باستان‌شناسی در مصر نیز نشان می‌دهد در زمان فراعنه بعضی از مردم، بر زمین‌های اطراف معابد نظارت داشتند تا درآمد آن صرف امور معبد شود. همچنین، در زمان فراعنه وقفی صورت می‌گرفت که امروزه به وقف اولاد مشهور است؛ یعنی افراد منفعت چیزی را برای فرزندان و ذریه خویش اختصاص می‌دادند، بدون آن که تملکی حاصل شود (صفار، ۱۳۸۶، ص ۱-۲).

مرحوم صاحب جواهر درباره وقف زرتشتیان می‌فرماید: زرتشتیان بر آتشکده‌های خود وقف کرده‌اند و اگر یهود و نصاری بر کنشت و کلیسا وقف نمایند یا برای تورات و انجیل جایز است.



چون معابد از قدیم وجود داشت، چنانچه در حال حاضر وجود دارد و بلکه از پیدایش انسان معابد به وجود آمده است، به ناچار اموالی به این اماکن اختصاص می‌یافت تا از درآمد آن‌ها خدمه این اماکن ارتزاق نمایند و اختصاص اموالی به این گونه اماکن مقدسه و عمومی با وقف یا چیزی نزدیک به وقف سازگار است.

اوقاف حضرت ابراهیم خلیل که تا امروز نیز باقی است، خود بهترین دلیل بر وجود وقف قبل از اسلام است. نخستین مکان مقدس که در میان عرب‌ها پیش از اسلام شناخته شده «کعبه مشرفه» است که در روزگاران قدیم به دست حضرت ابراهیم (ع) بنا شده تا پناهگاه مردم باشد. بنابر آنچه گفته شد، اندیشه حبس مال از تملیک و تملک و اختصاص دادن منافع آن به جهت معینی، از زمان‌های دور وجود داشته است (ملک زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۵-۲۶).

اما در مورد تاریخچه وقف علمی نیز می‌توان به مواردی اشاره کرد که در طول تاریخ مسلمانان، قابل رؤیت است. وجود بی‌شمار مدارس علمیه موقوفه و موقوفات گوناگون در راه نشر و گسترش علوم و معارف همچون حقوق علما، استادان، طلاب و وقف کتاب‌ها، همگی نشان‌دهنده آگاهی مسلمانان و اهمیت وقف علمی است. برای نمونه، به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

سید مرتضی تمام زمین‌های کشاورزی یک روستا را به منظور تهیه کاغذ برای علما و فراگیران علم وقف کرده است (صفار، ۱۳۸۶، ص ۷). همچنین، بیشتر مدارس علمیه موقوفه‌اند نه دولتی. از این گونه موقوفات در همه سرزمین‌های اسلامی به چشم می‌خورد؛ در تونس، شیروان، قاهره، مکه، مدینه، دمشق، بغداد، نیشابور، بلخ، شهرهای آسیای میانه، ترکیه، هند، ایران و دیگر جاها که به نمونه‌هایی از آن در این کتاب به تفصیل اشاره شده است (احمد بن سلمان، بی‌تا، ص ۲۳-۳۵). به علاوه، وقف در زاویه‌ها نیز وجود داشته که مراکزی بوده‌اند که برای تحصیل علم، برای عبادت و خدمت رایگان به وجود آمده و مانند یک سفره رنگین در اختیار عموم بوده‌اند (همان، ص ۳۵). دارالعلم‌ها نیز از اماکنی بودند که وقف در مورد آن‌ها وجود داشته است. دارالعلم عبارت است از مؤسساتی که به وسیله افرادی تأسیس می‌شد و در آنجا وسایل لازم برای مطالعه و تحقیق در سطح بالا فراهم می‌گردید و معمولاً دارای کتابخانه ویژه و حجره‌هایی جهت سکونت دانش پژوهان بود. چه بسا استاد یا استادانی هم در آنجا بودند که دانش پژوهان از راهنمایی آنان استفاده می‌کردند و حتی در بعضی از این مؤسسات مخارج دانش پژوهان نیز تأمین می‌شد. تأسیس این گونه مراکز به دنبال ایجاد کتابخانه‌ها بوده است (بشیر، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵). علاوه بر این، برای نمونه، می‌توان به برخی موقوفات علمی اشاره کرد: دانشگاه الازهر، نظامیه‌های خواجه نظام الملک در بغداد، هرات، مرو، اصفهان و بلخ، مدرسه ظاهریه، مدرسه منصوریه، مدرسه مسعودیه، مدرسه السلطان قایدبای، مدرسه الغیایه و غیره.

شاید بتوان نقش وقف در حوزه آموزش و گسترش علم را در چند محور مهم نشان داد. البته باید تأکید کرد که در هر دوره، این نقش می‌تواند به شکل‌های مختلف توسعه یافته و زمینه‌های دیگری را نیز پوشش دهد:

1. زمینه‌سازی برای پرورش دانشمندان: کتاب، کتابخانه‌ها، مراکز علمی، مدارس، نظامیه‌ها.



2. حفظ و انتقال میراث فرهنگی: انتقال بین نسلی، خود نوعی از آموزش است.
 3. آموزش‌های خاص در مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها
 4. زمینه‌سازی برای گسترش و تنوع دانش‌ها و یادگیری (همان، ص ۱۷۵-۱۷۷).
- در زمینه بهداشت و سلامت نیز موقوفاتی وجود دارد؛ مانند مراکز درمانی و غیره (صفار، ۱۳۸۶، ص ۸) که می‌تواند خود بعدی دیگر از وقف علم و فناوری به حساب آید.

4- انواع وقف علم و فناوری

می‌توان بر اساس تقسیم‌های موجود از وقف، وقف علم و فناوری را هم دارای انواعی دانست:

4-1- تقسیم نخست

یکی از زمینه‌های مهم در مطالعات موردی مربوط به حوزه‌های مختلف وقف در جهان اسلام آشنایی با تنوع، تعدد و اشکال مختلف موقوفات است. مطالعه این گوناگونی در دوران‌های مختلف می‌تواند رویکرد مسلمانان را در طول تاریخ ترسیم کند. در این رابطه دو رویکرد کلان تأسیسی و خدماتی وجود دارد. به عبارت دیگر، در وقف گاهی به اصل موقوفه و گاهی به خدماتی اشاره می‌شود (بشیر، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵-۱۹۶).

رویکرد تأسیسی در گذشته در حوزه علم و دانش شامل وقف مدارس و سایر مراکز علمی، وقف کتابخانه‌ها و وقف بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها است. هم‌اکنون نیز وقف علم و فناوری می‌تواند شامل رویکرد تأسیسی باشد و تأسیس و وقف انواع دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، شرکت دانش بنیان، حوزه‌های علمیه و غیره باشد.

رویکردهای خدماتی در گذشته چندان توجهی به موضوع علم و فناوری نداشته است، اما هم‌اکنون وقف برای درمان بیماران، وقف برای تأمین هزینه تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان بی‌بضاعت، وقف برای ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و غیره و سایر مواردی از این دست می‌توانند در زمره وقف علم و فناوری قرار گیرند.

4-2- تقسیم دوم

وقف از یک منظر به وقف انتفاع و منفعت تقسیم می‌شود. اگر از نظر واقف تحصیل درآمد مادی نباشد، مانند احداث مسجد در زمین ملکی خود یا زمین موات و امثال اینها را وقف انتفاع گویند و اگر تحصیل درآمد باشد تا در مصرف معلومی هزینه شود، مانند وقف چند دکان برای حفظ و اداره مسجد یا مدرسه‌ای آن را وقف منفعت گویند (ملک زاده، ۱۳۸۵ ص ۵۴). هر دو نوع این وقف‌ها در حوزه علم و فناوری قابلیت تحقق دارند و بر همین اساس می‌توان دو نوع وقف را در این حوزه متصور شد: وقف انتفاع و وقف منفعت برای گسترش علم و فناوری.

4-3- تقسیم سوم



وقف از نظر موقوف علیهم نیز بر دو قسم است: وقف خاص و وقف عام. وقف خاص عبارت است از وقف برای شخصی یا اشخاصی معین از قبیل اولاد و ذریه واقف. این نوع از وقف اختصاص به افراد محصور دارد و باید برای موقوف علیه ملکیت داشته باشد، یعنی از بهره آن استفاده ببرد، از قبیل وقف بر اولاد، علماء، فقرا و وقف زمین حاصلخیزی برای مصلحت مسجد، مدرسه و مانند آن. مصادیق وقف خاص در فقه گذشته شامل وقف بر اولاد و وقف بر خویشاوندان است (ملک زاده، ۱۳۸۵ ص ۵۳-۵۴). در حوزه وقف علم و فناوری اگر واقف برای اشخاص خاصی مثل دانشجویان یک دانشگاه وقف را مد نظر قرار دهد، از نوع وقف خاص خواهد بود.

وقف عام عبارت است از وقف بر جهتی عمومی و مصلحتی همگانی نظیر وقف کردن مسجد و پل و کاروانسرا یا وقف بر عنوان عام نظیر عنوان فقرا، ایتام و امثال اینها. در این نوع وقف مقصود از آن نفع تمام مردم است نه گروه خاص یا نوع معین. مصادیق وقف عام در فقه گذشته شامل وقف بر مسجد، وقف فی سبیل الله، وقف بر مسلمانان، وقف بر شیعه و وقف بر فقرا است (همان، ص ۵۴). هر گاه واقف برای یک دانشگاه یا هر مکان علمی دیگر، صیغه وقف را جاری نماید، این نوع از وقف، وقف علم و فناوری عام خواهد بود.

4-4- تقسیم چهارم

وقف به اعتبار زمان، به دو نوع تقسیم می شود:

- وقف منقطع؛ حبس عین و تسبیل منفعت مال در راه خدا برای افراد خاص و برای مدت خاص را وقف منقطع می گویند؛ مثل وقف یک باغ بر اولاد خود.
- وقف مؤبد یا همیشگی؛ وقف مؤبد در مقابل وقف منقطع است و زمان در آن مطرح نیست؛ مثل وقف مسجد برای عموم مردم که هر دو نوع این وقف ها در حوزه علم و فناوری قابل تصور است و بر همین اساس، به دو گونه وقف مؤبد و موقت علم و فناوری تقسیم می شود.

5- نقش وقف در رشد و پیشرفت اقتصادی

از متون اسلامی به خوبی روشن است که اسلام خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در جامعه است و نیز به دنبال رفاه عمومی در حد معقول و مشروع. وقف از دو راه می تواند در این مورد مؤثر باشد:

الف- نفس استقلال و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) به طور طبیعی، موجب رفاه عمومی و زدودن دست کم کاهش چشمگیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد؛ زیرا زیر بنای اجتماعی و علت غیر مستقیم توسعه اقتصادی اسلامی دو امر است:

- جهان بینی، اخلاق و فقه اسلامی، رفتار رهبران نظام و رفتار نخبگان مومن و متقی که نظام شخصیت ایمانی را مجسم می کنند.



- دولت متعهد به اسلام و مردم، سالم و دور از فساد، عاقل، معنوی، توسعه‌خواه و عدالت طلب؛ برای بسط ارزش‌های توسعه‌ای دینی و ماندگاری آن در میان جامعه به چنین دولتی نیاز است تا با تأسیس نهادهای مناسب و انجام سیاست‌های عادلانه رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر مطلق را به ارمغان آورد.

ب- بخش عمده موارد مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند به رفاه عمومی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. اگر نگاهی هر چند گذرا، به تاریخ وقف و مضمون وقف نامه‌ها بیندازیم به خوبی در می‌یابیم که واقفان خیر و دور اندیش تمام زوایا و جوانب نیازها را در نظر گرفته‌اند. به رغم این که بسیاری از رقبات موقوفات و مدارک آن‌ها در طول زمان به ادله و عوامل گوناگونی از بین رفته‌اند و از بسیاری از آن‌ها نامی هم باقی نمانده است، مشاهده می‌کنیم که جهت و سمت و سوی اصلی مورد نظر واقفان در طول تاریخ فقرزدایی و در مرحله بعدی، تحقق رفاه عمومی در سطح معقول بوده است. علاوه بر این، باید بیان گردد که نیازهای عمومی و خصوصی مردم نسبت به زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است، مثلاً در یک زمان مردم به کاروانسرا، آب انبار و غیره نیاز مبرم داشتند، اما در روزگار ما تأسیس فضاهای آموزشی، درمانی، مسکن، جاده‌ها و غیره از اولویت بیشتری برخوردارند. از این رو، از راه‌های گوناگون از جمله آگاهی دادن به مردم و کسانی که درصدد وقف اموال خود هستند، می‌توان به سمت و سودادن وقف‌های جدید در جهت اولویت‌های جامعه کمک شایان و در خور توجهی نمود (سجادی جزئی، ۱۳۹۰، ص ۵۱-۵۳). بر همین اساس و با توجه به ویژگی خاص وقف، می‌توان به این نتیجه رسید که وقف هم خود یک ابزار اقتصادی است و هم می‌تواند در خدمت سایر ابزارها مانند گسترش علم و فناوری قرار گیرد.

۶- ارکان وقف علم و فناوری

وقف دارای چهار رکن است: صیغه، واقف، عین موقوفه و موقوف علیه. با توجه به وجود مباحث بسیار در فقه و حقوق درباره این ۴ رکن، تنها مباحثی درباره ارکان واقف، عین موقوفه و موقوف علیه مطرح می‌شود که به موضوع وقف علم و فناوری ارتباط دارد.

۶-۱- شرایط واقف

واقف در این عقد همچون سایر عقود باید اهلیت قانونی داشته باشد که منظور از آن، بلوغ، عقل، قصد و رضا است؛ یعنی وی باید عاقل، بالغ، جایز التصرف و مختار باشد (حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۱۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۰ هـ ج ۳، ص ۱۷۸-۱۷۷). بنابراین، از این منظر هر شخص با ویژگی‌های فوق می‌تواند وقف علمی را به انجام برساند.

۶-۲- شرایط مال موقوفه

مال موقوفه نیز شرایطی دارد:

- عین باشد به این معنی که شی خارجی باشد نه منفعت و با بقای آن، بتوان از آن سود برد.



- مال موقوف باید مملوک باشد؛ یعنی در ملک واقف باشد.
- مال موقوفه باید عین باشد که بعد از انتفاع باقی بماند و استفاده از آن متوقف بر زوالش نباشد، به گونه‌ای که خود شیء باقی باشد، مانند منافع زمین.
- مال موقوفه را بتوان به قبض موقوف علیه داد (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۱۵؛ حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۱۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۰ هـ ج ۳، ص ۱۷۳-۱۷۶). بر همین اساس وقف علمی باید حائز این شرایط باشد تا صحیح باشد.

۳-۶- شرایط موقوف علیه

موقوف علیه شخص یا اشخاصی هستند که منافع مال موقوفه، عاید آن‌ها می‌گردد، اشخاصی که حق انتفاع از منافع مال موقوفه، عاید آن‌ها می‌شود، اشخاصی که حق انتفاع از منافع مال وقف شده را دارند. ممکن است موقوف علیه اشخاص حقیقی باشند یا اشخاص حقوقی.

در موقوف علیه ۴ شرط معتبر است:

- موجود باشد، یعنی در هنگام وقف زنده باشد.
- اهلیت تملک داشته باشد.
- وقف بر آن مباح و مشروع باشد.
- موقوف علیه معین باشد، وقف بر مال مجهول صحیح نیست (حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۱۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۰ هـ ج ۳، ص ۱۷۸). رعایت این شرایط نیز سبب صحت وقف علم و فناوری خواهد شد.

۷- ادله لزوم وقف علم و فناوری

می‌توان در این باره به برخی از ادله اشاره کرد:

1-7- پایداری و استقلال؛ ملاک برتری وقف

وقف از دیدگاه اسلامی دارای دو ویژگی مهم است؛ اول ثبات و تداوم و دوم، استقلال. این دو ویژگی از مهمترین ویژگی‌های اسلامی وقف است که می‌توانند در اهداف اسلامی نیز تأثیرگذار باشند. اهداف اسلامی در حوزه وقف تا اندازه زیادی ناظر به همین دو ویژگی است که حدود و ثغور آن را تبیین می‌کند. وقف اقتضای ماندگاری داشته و هر گونه تغییر و دگرگونی در آن، برخلاف اصل اولی است. بر طبق ویژگی دوم، نهاد وقف چون از استقلال برخوردار است، صرفاً بر اساس نظر واقف، تحقق یافته و استمرار می‌یابد. پس از واقف، نه تنها دیگران حق دخالت در آن ندارند، بلکه خود واقف هم حق تجدید نظر ندارد (بشیر، ۱۳۹۳، ص ۷۵). بنابراین، با توجه به اهمیت این دو ویژگی، وقف ابزار مناسبی برای گسترش علم و فناوری است، زیرا به جهت ثبات و دوام، منبعی همیشگی برای



توسعه علوم است که هیچ گاه قطع نمی شود و به جهت ویژگی استقلال، می تواند تضمین نماید که وقف صورت گرفته برای حوزه علم و فناوری فقط در همین مورد صرف می شود و در مسیر استفاده و بهره بردای از مال موقوفه، هیچ کس نمی تواند مانع بهره برداری یا توقف آن شود.

7-2- ملاک انتخاب اهداف و نوع وقف

انتخاب اهداف و نوع وقف در فقه دارای ملاک هایی است که برگرفته از شرایط ارکان آن است که به طور مختصر به برخی از آن در ذیل اشاره می شود:

- واقف در انجا امور خیریه به ثواب و اهمیت وقف در شرع مقدس توجه دارد؛ به همین دلیل است که می بینیم انگیزه اصلی بیشتر کسانی که برای هدف معینی وقف می کنند، آگاهی آنان از تأکیدهای شرع اسلام مقدس اسلام درباره فضیلت وقف یا شنیدن سخنان علما درباره اجر و ثواب آن است.
- شناخت کمبودها و نیازهای جامعه؛ شمار زیادی از واقفان، چهره فقر و کمبودها را به چشم خود دیده اند و به همین دلیل بخش از دارایی خود را برای برطرف ساختن این نیازها وقف کرده اند.
- شناخت و آگاهی نسبت به بعضی امور خاص از جمله ضرورت پیشرفت علمی، گسترش معارف و حفاظت از محیط زیست.
- وجود فضای خاصی در جامعه سبب بعضی از وقف ها بوده است تا با انجام آن، مردم گرد هم جمع شوند (صفار، ۱۳۸۶، ص ۱۳-۱۴). از آنچه در مطالب فوق بیان شد، می توان دریافت که ملاک انتخاب اهداف و نوع وقف، خود در مناسبات کنونی درباره وقف علم و فناوری مؤثر هستند، زیرا واقفان غالباً با توجه به نیازهای جامعه، آگاهی نسبت به برخی امور و وجود فضای خاصی برای وقف اموال خود اقدام می کنند که در نتیجه، با کار فرهنگی درست می توان زمینه و شرایطی را فراهم نمود که در اثر آن، واقفان به سوی وقف علم و فناوری سوق داده شوند.

8- مبانی مشروعیت وقف علم و فناوری در فقه

برای موجه سازی وقف علم و فناوری در فقه امامیه می توان به برخی ادله اشاره کرد:

8-1- وجوب تحصیل علم بر هر مسلمانی

پیامبر خدا (ص): «تحصیل دانش، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۹۴۹). یا در جای دیگر ایشان می فرماید: «طلب دانش، بر هر مسلمانی واجب است. بدانید که خداوند جویندگان دانش را دوست دارد» (همو، ص ۳۹۴۹).



همین طور که از احادیث فوق بر می آید تحصیل علم بر هر مسلمان چه زن و چه مرد واجب است، پس از این وجوب می توان فهمید که اسلام طلب علم را به عنوان مشی ای برای تمام دوران زندگی انسان معرفی می کند. حتی در مواردی انسان محروم از دانش را پست می شمرد و در ذیل احادیثی در این باره پیامبر اسلام (ص) چنین می فرماید: «خدای بزرگ خواهان پستی هیچ بنده ای نشد، مگر این که آن بنده از دانش محروم گشت». امام علی (ع) نیز با همین عبارت این مضمون را نقل کرده اند. اما ابن ابی الحدید در ذیل آن می نویسد: «ارذله» یعنی او را فرومایه و پست گردانید. گفته می شد: از نشانه های بغض خداوند بزرگ از بنده اش این است که علم را مبعوض او می سازد. شاعر گفته است: از کم حافظگی خود نزد و کعب^۱ شکایت کردم. او مرا به ترک گناهان راهنمایی کرد و گفت: چون حفظ علم و دانش فضل (الهی) است و فضل خداوند به هیچ گانه کاری عطا نمی شود (همو، ص ۳۹۳۳). پس با توجه به حکم وجوب علم آموزی برای مسلمانان می توان چنین نتیجه گرفت که وقف با هدف گسترش علم و علم آموزی نیز دارای اهمیت یا حتی می تواند واجب باشد.

2-8- لزوم حفظ جامعه اسلامی از گزند آفات

بر اساس آیه ۶۰ سوره انفال^۲ خداوند در قرآن از مسلمانان خواسته است که برای حفظ جامعه اسلامی خود را به هر طریق ممکن مجهز کنند. علاوه بر این، در روایات نیز به این امر مهم اشاره شده است: پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «دانش، مایه زندگی اسلام و تکیه گاه دین است» (همو، ص ۳۹۳۵). شاید به همین جهت است که از مرگ عالم و دانشمند به عنوان رخنه ای بر پیکره اسلام یاد می کند و می فرماید: «خدای تعالی عالمی را از میان این امت نبرد، مگر این که رفتن او رخنه ای باشد، در اسلام که تا روز قیامت این رخنه بسته نمی شود» (همو، ص ۳۹۴۷).

همچنین امام علی (ع) می فرماید: «دانش به دست آورید، تا به شما زندگی بخشد» یا در جای دیگر می فرماید: «هرگز نمیرد کسی که دانشی را زنده کند» (همو، ص ۳۹۳۵). همه این احادیث گویای این مطلب است که حفظ جامعه اسلامی در گرو طلب دانش است. همچنین امام رضا (ع) به گونه ای زیبا علت برتری عالم بر عابد را بیان می دارد که گواه این مطلب است که جامعه اسلامی با وجود دانشمندان و عالمان است که حفظ می شود نه عابدان که تنها به خود و آینده خود نظر دارند: «روز قیامت به عابد گفته می شود: آدم خوبی بودی، به خودت پرداختی و زحمت خود را از دوش مردم برداشتی. به بهشت در آئی. بدانید که فقیه کسی است که خیر خود را بر مردم فرو ریزد و آنان را از دشمنان برهاند ... به فقیه گفته می شود: ای کسی که سرپرستی یتیمان خاندان محمد (ص) را به عهده گرفتی و دوستان و پیروان ناتوان آنان را هدایت کردی! بایست تا برای هر کس که از تو بهره مند شده یا دانش آموخته است شفاعت کنی» (همو، ص ۳۹۴۵).

^۱ - نام شخصی است.

^۲ - «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهون به عدو الله و عدوكم».



اهمیت این موضوع با اشاره به این روایت از امام علی (ع) بیش تر احساس می شود که فرموده: «بیکار تنها آن نیست که مرد با شمشیر خود در راه خدا بجنگد، بلکه جهاد آن هست که مردی متعهد اداره زندگی روزمره پدر و مادر و فرزند خود باشد، پس او همواره در جهاد است و همچنان جهاد برای کسی است که خود را از مردم بی نیاز دارد» (حجازی، ۱۳۹۶هـ ص ۱۴۹). از بخش انتهایی کلام امیر المؤمنین می توان چنین استفاده نمود که در روابط میان کشورها که مبتنی بر نیاز است، آن ملت و کشوری پیروزند که حداقل نیازمندی را به سایر کشورها به ویژه مستکبران دارند، زیرا اگر چنین نباشد، دیگر از عزت و سربلندی مورد نظر اسلام برای مسلمانان چیزی باقی نخواهد ماند. علاوه بر این، این ضرورت در دنیای امروز بیشتر احساس می شود، چون امروز همه کارها بر محور تکنولوژی و علم می گردد و این دو عامل عمده باعث برتری برخی ملل شده است، بر مسلمانان است که همه علوم و فنی را که وسیله تأمین استقلال آنهاست، فرا بگیرند و برای این کار باید بهترین متخصصان را تربیت کنند و بهترین امکانات فنی را در جوامع اسلامی فراهم نمایند تا نیازمند دیگران نباشند و یکی از بهترین راهها برای این کار، سوق دادن وقف به سوی وقف علم و فناوری است که می تواند تضمین کننده ابعاد مالی این حرکت باشد.

۳-۸- قاعده نفی سبیل کافران

مفاد این قاعده از آیه ۱۴۱ سوره نساء: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» و روایتی از پیامبر اسلام (ص): «الاسلام يعلو ولا يعلو عليه» (پاینده، ۱۳۸۶، ص ۶۹) نشأت گرفته است. بر این مبنا، قاعده نفی سبیل مسلمانان را وامی دارد که به هر شکل علیه توفیق کفار بر خود به پاخیزند و در این راستا و در جامعه کنونی وظیفه هر دانشجو و استاد این است که مانع از سلطه کفار بر کشور و مردم خود شوند. یکی از طرق نفی سبیل در جامعه بین المللی، گسترش علوم روز است تا کشور به واسطه دستیابی به تکنولوژی های روز دنیا به دیگر کشورها وابسته نباشد تا در نهایت تحت سلطه آنان قرار گیرد و برای تحقق این مهم ابزارهایی لازم است که از این ابزارها می توان به وقف اشاره کرد.

۴-۸- کراهت از فقر

امام صادق (ع) فرمود: «فقر مرگ سرخ است، راوی گوید: به امام (ع) عرض کردم: مقصود نداشتن درهم و دینار است؟ فرمود: نه بلکه فقر و نداشتن دین است».

مقصود از مرگ سرخ، مرگ سخت و خونین است و مقصود از فقر دینی، ندانستن احکام و معارف دینی و شناختن صفات حمیده و رذیله است (کلینی رازی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۶).

امام علی (ع) به پسرش محمد حنفیه فرمود: فرزندم! من برای تو از فقر بمیناکم، از آن به خدا پناه ببر، زیرا فقر در دین کاستی آورد و برای خرد تشویش و سرگردانی و فقر انسان را به دشمنی و کینه (با برادرانش) خواند (ناظم زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۷).



همین طور که از محتوای این روایات پیداست فقر نزدائمه (ع) مذموم است و یکی از تبعات آن تشویش و سرگردانی در خرد است که با توجه با تأکید اسلام بر خردورزی و اندیشه باید مانع از تحقق فقر شد. یکی از راه‌های جلوگیری از فقر، علم آموزی است و این ضرورت امروزه بیشتر احساس می‌شود، زیرا در دنیای کنونی یکی از فواید گسترش علم و تکنولوژی برای ملت‌ها افزایش ثروت ملی است که در پس آن اقتدار ملی قرار دارد تا کشور را در موقعیت بهتری از نظر سیاسی در میان سایر کشورها قرار دهد و همان‌طور که پیش از این بیان شد، این مهم به واسطه اموری چون وقف می‌تواند محقق شود.

4-8- لزوم توجه به کار مسلمانان

پیامبر خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «هر کس روز را آغاز کند و توجه او به غیر خدا باشد، خدا با او کاری ندارد و هر کس روز را آغاز کند و به کار مسلمانان توجهی نداشته باشد، مسلمان نیست (پاینده، ۱۳۸۶، ص ۲۸۴). همچنین، ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «هر کس تجاوز آب یا آتشی را از گروهی از مسلمانان بگرداند، بهشت برایش واجب می‌شود». «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد از آن‌ها نیست، و هر که بشنود مردی فریاد می‌زند «مسلمان‌ها به فریادم برسید» و جوابش نگوید، مسلمان نیست» (کلینی رازی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۹). امام علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «خوشا به حال کسانی که در خود فرورفته‌اند، و به کار خویش سرگرم، و مردم در پرتو آنان در آسودگی کامل به سر می‌برند» (حجازی، ۱۳۹۶هـ، ص ۱۶۸-۱۶۹). بی‌شک یکی از راه‌های اهتمام به امور مسلمانان، جهاد علمی است. امروزه این موضوع ملموس‌تر است، زیرا در جامعه جهانی مسلمانان دائماً مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند و یکی از راه‌ها برای نجات آنان از خفت و خاری، توسعه علوم و دانش‌های بنیادی است که علاوه بر آن که می‌تواند مشکلات و سختی‌های جامعه ایرانی را مرتفع کند، می‌تواند مشکلات و مسائل سایر جوامع اسلامی یا حتی غیر اسلامی تحت ظلم را نیز مرتفع نماید و در عین حال عزت و قدرت را برای مسلمانان به ارمغان بیاورد.

4-8-5- لزوم کسب سلطنت و قدرت

امام علی (ع) به حق در این باره می‌فرماید: «دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۲۱). به گواهی تاریخی می‌توان این مسأله را در قبل و بعد از جنگ‌های صلیبی دید که چگونه استعمار با استفاده از علوم اسلامی بر کل دنیا سیطره یافت و برای مدت‌های طولانی کشورهای کهن آسیایی مانند ایران، هند و چین را عقب گذاشت. علاوه بر این، امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «شهریاران، فرمانروای بر مردمند و عالمان فرمانروای بر شهریاران». در همین راستا امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «عالمان فرمانروای بر مردمند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۳۹۸۵). با توجه به همین موضوع، می‌توان مشروعیت و حتی لزوم وقف در زمینه علم و فناوری را اثبات نمود.

4-8-6- اهمیت و فضیلت علم و دانش



علم و تلاش در جهت کسب آن از ارزش‌های والای اسلامی به شما می‌رود، به طوری که آیات و احادیث بسیاری در اهمیت و فضیلت آن‌ها وارد شده است. متعلق این ارج گذاری‌ها یا علم و دانش است یا عالم و دانشمند که در ذیل به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

خداوند در آیات ۹ سوره زمر و ۱۱ سوره مجادله در ستایش علم آموزان می‌فرماید:

«آیا آن کس که در همه ساعات شب، در حال سجده و قیام، به عبادت پرداخته و از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگار خویش امیدوار، با آن کس که چنین نیست، یکسان است؟ بگو آیا آن‌هایی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند.»

و در جای دیگر از این کتاب گرانمایه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون به شما گفته شود که در مجالس جا باز کنید، جای باز کنید تا خدا در کار شما گشایش دهد و چون گفته شود برخیزید، برخیزید. خدا آن‌هایی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش داده شده‌اند، درجه‌ها بالا می‌برد و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.»

علاوه بر آیات قرآن، در روایات بسیاری از علما به عنوان وارثان پیامبران یاد شده است که نشان می‌دهد که دارندگان این گوهر با ارزش نیز از حرمت و احترام والایی برخوردارند. همان‌طور که پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع) و امام صادق (ع) در این باره احادیثی دارند که در همین زمینه تنها به روایتی از پیامبر (ص) اکتفا می‌شود که می‌فرماید: «علما وارثان پیامبرانند، اهل آسمان ایشان را دوست می‌دارند و هرگاه بمیرند ماهیان دریا تا روز رستاخیز برایشان آموزش می‌طلبند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۹۴۱).

از سوی دیگر، در روایات دیگری از پیامبر (ص) و امام صادق (ع) آمده است که مرکب عالمان بر خون شهدا برتری دارد، مانند این روایت از امام صادق (ع): «چون روز رستاخیز شود، خدای عزوجل مردم را در دشتی فراخ گرد می‌آورد و ترازوها گذاشته می‌شود و خون شهیدان با مرکب عالمان سنجیده می‌شود، اما کفه مرکب عالمان بر خون شهیدان می‌چربد» (همو، ص ۳۹۴۱) و در جای دیگر در فضیلت عالم آمده است «عالمی که از علمش بهره برد، برتر از هفتاد هزار عابد است» (همو، ص ۳۹۴۳) و در همین راستا، توصیفات و تشبیهات بسیاری در دیگر احادیث صورت می‌گیرد، مانند برتری خورشید بر ستارگان، برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان و غیره. همچنین، از نظر عبادت نیز عالم بر عابد برتری دارد که در این روایت از پیامبر خدا (ص) آمده است: «دو رکعت نمازی که عالم می‌گزارد، برتر از هزار رکعت نمازی است که عابد می‌خواند» (همو، ص ۳۹۴۳).

البته نهایت این فضیلت را در این روایات می‌توان دید که نگرستن به چهره عالم را عبادت می‌خوانند: «امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش از این سخن پیامبر (ص) که نگرستن به چهره علما عبادت است، فرمود: منظور عالمی است که چون به او بنگری، تو را به یاد آخرت اندازد و کسی که برخلاف این باشد نگاه کردن به او فتنه (و گمراهی) است» (همو، ص ۳۹۴۷).



در فضیلت علم هم روایات بسیارند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

امام علی (ع): «سرآمد فضیلت‌ها، دانش است؛ نقطه پایان فضیلت‌ها دانش است» (همو، ص ۳۹۲۹). «برتری مردم بر یکدیگر به دانش‌ها و خردهاست، نه به ثروت‌ها و تبارها» (همو). پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس دانشش از دیگران بیش‌تر است، ارزشش بیش‌تر است» (پاینده، ۱۳۸۶، ص ۵۶) و احادیث دیگری که از آوردن آن‌ها به جهت تعداد زیادشان خودداری می‌شود.

در این احادیث و احادیث مشابه برای علم ویژگی‌ها و صفاتی مانند چراغ خرد، بهترین دارایی، مانع آفات، راهنمای نیکو، بهترین هدایتگر، جمالی که پوشیده نمی‌ماند، خویشاوندی که پیوند خویشی خود را نمی‌برد، زیور توانگران، زیبایی تهیدستان، برترین دو همدم، شریف‌ترین شرافت‌خوادی، گمشده مؤمن، پوشاننده عیوب، سر همه خوبی‌ها، زندگی یا یکی از دو زندگی، مایه زندگی اسلام و تکیه‌گاه دین، زندگی بخش جان، روشن‌کننده خرد و میراننده نادانی، مایه زندگی دل‌ها، روشن‌کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان برشمرده شده که گویای ارزش بی‌ظنیر آن از دیدگاه اسلام است.

پس از آن که به فضیلت عالم و علم پرداخته شد، در مرحله سوم باید به این امر اشاره شود که علاوه بر آن که دانش دارای فضیلت ذاتی است و حامل آن نیز به واسطه این فضیلت ذاتی دارای علو و برتری است. جوینده آن نیز از ارج و قربی بسیار برخوردار است که در احادیث ذیل به آن اشاره می‌شود:

پیامبر (ص): «جوینده دانش نمیرد، تا این که از کوشش خود به اندازه رنجی که برده است بهره‌مند شود» (همو، ص ۳۹۴۹). «هر گاه دانش جوینی در حال آموختن دانش مرگش فرا رسد، شهید مرده است» (همو، ص ۳۹۵۱).

امام علی (ع): «سفرکننده در جستجوی دانش مانند جهادکننده در راه خداست» (همو، ص ۳۹۴۹).

از دیگر نیکی‌هایی که برای جوینده دانش برشمرده شده است، می‌توان به غرق رحمت شدن او، عزت دنیا و رستگاری آخرت، برداشتن گام در راه خدا، رقم زدن یک پاداش (اگر به آن علم دست نیابد) و دو پاداش (اگر به آن علم دست نیابد) و به عهده گرفتن روزی اشاره نمود و در پایان به چند حدیث دیگر اشاره می‌شود:

پیامبر (ص): «هر که دانش بجوید، مانند کسی است که روز خود را به روزه گذارند و شبش را به عبادت. اگر کسی یک باب علم بیاموزد، برایش بهتر است از این که کوه ابوقیس طلا باشد و او آن را در راه خدا انفاق کند». «هر که در راه آموختن و فهمیدن دین خدا بکوشد، خداوند خواهش و روزی او را از جایی که گمانش را هم نمی‌برد، تأمین کند». «جوینده دانش جویای رحمت است. جوینده دانش رکن اسلام است و پاداشش با پیامبران داده می‌شود». «هر که در جستجوی بابی از دانش بر آید تا به وسیله آن خود یا آیندگان را اصلاح گرداند، خداوند به شمار ریگ‌های ریگستان برایش پاداش نویسد». «هر کس در جستجوی دانشی برای زنده کردن اسلام باشد و در آن حال مرگش فرا رسد، پیامبران فقط یک درجه بر او برتری دارند» (همو، ص ۳۹۵۱). «هر کس در جستجوی دانشی راهی را پیماید، خداوند او را در راهی به سوی بهشت حرکت دهد». «فرشتگان بال‌های خود را برای جوینده دانش



می گسترانند، چون از آن چه او می جوید، خرسندند». «همه اشیاء، حتی ماهیان دریا برای جوینده دانش آموزش می طلبند» (همو، ص ۳۹۵۳).

اما نهایت سخن آن است که در احادیث این بزرگواران (ع) کسب دانش دارای حد و حدودی است، مانند این سخن گهربار از پیامبر اسلام (ص): «اطلبوا العلم ولو بالصَّین» (حجاری، ۱۳۹۶ هـ، ص ۳۳) یا امام سجاد (ع) می فرماید: «چنانچه مردم می دانستند فوایدی را که در فراگرفتن دانش است، دانش پژوهی می کردند حتی اگر به ریزش قطره-های خون قلبشان و فرو رفتن در دریاها عمیق تمام شود (همو، ص ۲۹۵) و روایاتی از این دست که بسیارند.

نتیجه گیری

موقعیت کنونی هر کشور در جهان وابسته به جایگاه علمی آن در دنیا است، زیرا اساسی ترین پایه قدرت هر کشور، علم است. دلیل این مدعا حدیث مشهور العلم سلطان است که در انتهای حدیث به این موضوع اشاره شده است که هر کس که دارای علم باشد، با آن می تواند یورش برد. بر همین اساس است که لزوم سرمایه گذاری در حوزه علم و فناوری قابل درک می شود. یکی از طرق و روش های سرمایه گذاری در این عرصه، وقف است که با توجه به ادله لزوم وقف علم و فناوری این روش، یکی از بهترین روش های سرمایه گذاری در این زمینه است، زیرا ادله لزوم آن شامل دو عامل پایداری و استقلال؛ ملاک برتری وقف و ملاک انتخاب اهداف و نوع وقف هستند. ویژگی پایداری و استقلال خود، تداوم این سرمایه گذاری را تضمین می نماید و ملاک انتخاب اهداف و نوع وقف، دست واقف را برای وقف در هر حوزه ای از علم و فناوری باز می گذارد. وقف علم و فناوری، همان حبس اصل و استمرار بهره است با هدف گسترش و توسعه علوم و این نوع از وقف دارای پیشینه طولانی به قدمت اسلام بوده است. این وقف بر اساس انواع وقف در فقه، قابل تقسیم است که مهمترین تقسیم، تقسیم به خدماتی و تأسیسی است که سبب می شود دامنه گسترده ای از مصادیق وقف علم و فناوری به وجود آیند که قطعاً در گسترش علم و فناوری مؤثر خواهند بود. در تقسیم های دیگر نیز می توان دریافت که وقف علم و فناوری می تواند در اشکال مختلف محقق شود و اهداف مختلفی را در این حوزه تأمین نماید. مبانی مشروعیت وقف علم و فناوری در فقه نیز می تواند مواردی چون وجوب تحصیل علم بر هر مسلمان، لزوم حفظ جامعه اسلامی از گزند آفات، قاعده نفی سبیل کافران، کراهت از فقر، لزوم توجه به کار مسلمانان، لزوم کسب سلطنت و قدرت و اهمیت و فضیلت علم و دانش باشد. آنچه از مجموع این مبانی می توان فهمید آن است که با توجه به سه محور جایگاه رفیع علم و دانش در اسلام، اهمیت جامعه اسلامی و امور مسلمانان به همراه لزوم مقابله با دشمنان اسلام در عرصه های مختلف، پرداختن به عرصه علم و فناوری در وهله نخست و در وهله دوم، سرمایه گذاری برای گسترش آن از طرق مختلف به ویژه وقف از اوجب واجبات است. به ویژه آن که اگر شخصی نتواند در وهله نخست، به واجب علم آموزی و حرکت برای کسب آن



اولین همایش ملی

کارکرد وقف در توسعه انسانی با تأکید بر وقف علمیه

۲۱ و ۲۲ آبان ۱۳۹۸

1st National Conference on WAQF Function in Human Development Emphasizing Scientific Waqf

12 & 13 November 2019

عمل نماید، اما می تواند با وقف مال خود در این حوزه، گامی مؤثر در گسترش آن بردارد و در ثواب علم آموزی دیگران شریک گردد.





منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۳). عوالی اللالی. قم: سید الشهداء.
- 3- احمد بن سلمان، ابوسعید (بی تا). فرهنگ وقف. تهران: صبا.
- 4- بشیر، حسن (۱۳۹۳). فرهنگ وقف. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- 5- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۶). پیام رسول (ص)؛ ترجمه‌ای دیگر از نهج الفصاحه، قم: فرایض.
- 6- حجازی، سید عبدالرسول (۱۳۹۶هـ). میراث امامان (ع)، تهران: اعلمی.
- 7- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰هـ). السرائر. قم: اسلامی.
- 8- حلی، نجم الدین (۱۴۰۸هـ). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
- 9- سجادی جزی، سید مجتبی (۱۳۹۴). جنبه‌های مختلف اقتصادی موقوفات و چگونگی ارتقای آن‌ها. فصلنامه فرهنگی، تحقیق، اجتماعی و تاریخی، سال ۲۳، شماره ۹۰، ۴۱-۶۲.
- 10- صفار، حسن موسی (۱۳۸۶). وقف کارآمد. صفر سفیدرو، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- 11- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰هـ). الروضه البهیة. قم: داوری.
- 12- عمید، حسن (۱۳۳۷). فرهنگ عمید، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- 13- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۰). منهاج الصالحین، بیروت: دارالتعارف.
- 14- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی الفقه الامامیه. قم: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- 15- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (بی تا). اصول کافی، ج ۳، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- 16- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، ج ۸، مترجم حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- 17- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. تهران: نشر ثامن.
- 18- ملک زاده، فهیمه (۱۳۸۵). بررسی بیع وقف از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: دبیرش.
- 19- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹هـ). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.
- 20- ناظم زاده قمی، سید اصغر (۱۳۷۵). جلوه‌های حکمت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- 21- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.